www.takbook.com

از هرزه نگاری تا روزنامه نگاری

محمدرضا زادهوتر

اندیشه فردا

۱۳۹۹

www.takbook.com

به

امام زمان

شناس‌نامه کتاب

از هرزه‌نگاری تا روزنامه‌نگاری

محمـــــدرضا زادهوش

اصفهـان: اندیشه فردا

انتشار نخســـــــــت

دی مـــــــاه ۱۳۹۹

۷۲ص، رقـــــــــعی

www.takbook.com

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

پیش‌گفتار

یک روز سخن از روزنامه‌های کاغذی است و یک روز سخن از رسانه‌های غیر کاغذی. یک روز روزنامه‌نگاری بر خط مورد نیاز است و روز دیگر، چیز دیگر. اما آن‌چه بنیان روزنامه‌نگاری را تشکیل می‌دهد، چیست؟

با بررسی شماری از روزنامه‌ها و شوربختانه بررسی آثار قلمی شماری از روزنامه‌نگاران مشهور درمی‌یابیم که هرزه‌نگاری، باب روز شده است. مردم نیز گمان می‌کنند نوشته‌های هرکسی را که روزی روزگاری دربند بوده است دنبال کنند، به نتیجه دست یافته‌اند، غافل از آن‌که آن روز و روزگار گذشته و یا اصلاً دلیل در بند شدن آن فرد، نه نوشته‌های او که احتمالاً حضور در جلسات خاص، عضویت در سازمان‌های زیرزمینی و سخن‌های او به صورت شفاهی بوده است.

این کتاب، دفاعی است از روزنامه‌نگاری و نقدی بر هرزه‌نگاری. اگر کسی می‌خواهد به کار روزنامه بپرازد تا شغلی و درآمدی داشته باشد، این کتاب به کار او نخواهد آمد. این نوشته، دردلی است برای درمندان و هیچ ادعای دیگری ندارد.

www.takbook.com

مقدمه

این کتاب نیز مانند کتاب پیشین یعنی *شرافت روزنامه‌نگاری* دارای دو بخش است؛ در بخش نخست به مسائل روزنامه‌نگاری و در بخش دوم به مشکلات تشکل‌های روزنامه‌نگاری پرداخته‌ام. دغدغهٔ من اصلاح روزنامه‌نگار علاقه‌مند و جمع روزنامه‌نگاران علاقه‌مند بوده است؛ چرا؟

چون روزنامه‌نگاری برابر با یک کار سبک و نگارش مطالبی سطحی است. به گونه‌ای که هرچه فردی برای نگارش مطلبی زحمت بکشد تحت‌الشعاع مطالب ضعیف، کار او نیز سبک و سطحی دیده می‌شود.

چون علاقه به دور همی و طرح مشکلات بدون اغراض دیگر و اتحاد برای حل مشکلات را در حد توان خود ندیده‌ام و نشنیده‌ام.

میل به داشتن عنوان روزنامه‌نگار باعث شده است که شماری از مدیران و کارمندان و استادان دانش‌گاه که کار و بارشان جدای از روزنامه است، مطالب بی‌خودی بنویسند و با روابطی که دارند و آشنایی‌های پیشین بتوانند آن‌ها را به چاپ برسانند. گاهی نشریات به دلیل عنوان این افراد و یا نداشتن مطلب، زیر بار این مطالب می‌روند و گاه مطالب را دیگری می‌نویسد و به نام مدیران و استادان به چاپ می‌رسد و به هرحال محتوا به شدت ضعیف است. پیداست که در چنین شرایطی، ذوق کار در افراد می‌میرد.

www.takbook.com

سرگرمی

اگر نشریه، دربرگیرنده مقدار زیادی مطالب سرگرم کننده شود، نمی‌توان آن را روزنامه خواند و کسی را که به چنین کاری سرگرم است، روزنامه‌نگار خواند. کسی که طراح جدول است، اگرچه آدم بی‌خودی نیست؛ ولی روزنامه‌نگار نیز قلمداد نمی‌شود. سال‌هاست که طرح جدول را می‌توان به رایانه واگذاشت. روزگاری، روزنامه، جای‌گاه پاورقی‌نویسان مطرح بود و این هنر عامه‌پسند، جای‌گاهی در نشریات ایران یافته بود؛ ولی امروزه می‌بینیم آن‌چه به عنوان سرگرمی عرضه می‌شود، نه تولید است و نه هنری در بر دارد. حتی پاورقی‌نویسی با آن همه معایبی که داشت، افول کرده است. دست کم این است که تشکل روزنامه‌نگاری، پای‌گاه چنین افرادی نشود.

روزگاری تحصیل در رشته روزنامه‌نگاری و سپس سکونت در شهری مانند اصفهان مثل این بود که خلبانی در کشوری پیشرفته دوره‌ای ببیند و سپس به کشور خود که آن نوع هواپیما را ندارد، بازگردد. پرنده‌ای که پس از پایان یادگیری پرواز، بال‌هایش را بچینند. سال‌ها اصفهان از داشتن روزنامه به تعداد روزنامه‌نگاران محروم بود؛ اما امروز سالیانی می‌گذرد که شمار روزنامه‌ها در خور است؛ ولی کیفیت محتوا، قابل ذکر نیست. انسانی که نمی‌داند چه کند و روزنامه‌نگاری که نمی‌داند چه بنویسد و حتی از اصول سرگرم کردن مردم بی‌خبر است.

www.takbook.com

حقوق

برخورد با روزنامه‌نگاران در خانواده‌های آنان قابل بررسی است. هم‌سر یکی از روزنامه‌نگاران به او می‌گفت: روزنامه‌نگاری که نداشته باشد، کاه هم بارش نمی‌کنند! البته این روزنامه‌نگار ما شغلی ثابت برای خود داشت و تنها گاه گاهی با نشریات، هم‌کاری می‌کرد. یک روزنامه‌نگار غیر حرفه‌ای با حقوق رایج کارمندی که اگر هر ضعفی در زمینهٔ اقتصادی دارد، ارتباطی با روزنامه ندارد. ازدواج‌های دیرهنگام، تجرد تا پایان عمر، طلاق، زندگی دور از خانواده، و مرگ در خاموشی به گونه‌ای که هم‌کاران نیز از مرگ او با خبر نباشند، از چیزهایی است که خودم در میان روزنامه‌نگاران دیده‌ام. یک مورد بود که در جلسات گوناگون حضور می‌یافت و این‌گونه به نظر می‌رسید که در دفتر کار خود زندگی می‌کند، هنگامی که می‌گفت ازداوج کرده‌ام و فرزند دارم، من شگفت‌زده می‌شدم و سخن پیرمرد را باور نمی‌کردم. گمان می‌کردم دروغ می‌گوید، هرچند از او دروغ نشنیده بودم. او این اندازه مجرد به نظر می‌رسید!

www.takbook.com

مشکلات شهرستان

هم‌کاری با دو رسانه در اصفهان نه تنها باعث افزایش جای‌گاه روزنامه‌نگار نیست که گاه موجب کنار گذاشتن او به کلی می‌شود. در شرایطی که نقد و مطالب تحلیلی، جای‌گاهی در نشریات اصفهان ندارد، به گزارش نمایش‌گاه و نمایش‌های روی صحنه، به عنوان پرکردن صفحه، نگریسته می‌شود. تعامل هنرمند و روزنامه-نگاری که هر دو به لحاظ اقتصادی دچار مشکلاتی هستند. هنرمند البته باز انتظار بازخوردهای بیش‌تر و به‌تری دارد، چه این‌که این روی‌کردها اغلب یک‌سان است. هنر هنرمندی با پنج سال سابقه کار، همان قدر بازتاب داده می‌شود که هنر یک هنرمند با ده سال سابقهٔ کار. هنرمند، حدی برای پیشرفت دارد و پس از آن بیش‌تر شبیه به افول است و یا دست بالا درجا زدن. هنرمندانی که نمایش‌گاهشان تکرار می‌شود، اغلب، از گزارش‌ها نیز محروم می‌شوند و تنها خبر نمایش‌گاهشان درج می‌شود. قدرت شناسایی هنرهای تأثیرگذار و یا معرفی کتاب‌های خوب، در گردانندگان نشریات نیست تا چه رسد به نویسندگان.

برای سراسری جلوه دادن نشریات محلی، میل به مصاحبه با شخصیت‌های پایتخت‌نشین بسیار است و در این مسیر، نفس مصاحبه اهمیت دارد و نه کیفیت آن.

www.takbook.com

مرور گذشته

یکی از دل‌خوشی‌های رسانه‌های فعلی، مرور گذشته است. ایران در چهل سال و پنجاه سال پیش و مرور مطالب. شماری را دیده‌ام که به بایگانی‌ها می‌روند و از نشریات گذشته، مطالبی را گزینش و در روزنامه‌ها منتشر می‌کنند و یا حتی کتاب‌هایی را از مطالب دیگران می‌پردازند و حتی کتاب سال را نیز دریافت می‌کنند. این کارها هیچ فایده‌ای ندارد؛ ولی مرور نشریات گذشته البته بی‌فایده نیست و بلکه توصیه می‌شود. البته روش باید روش ویژه‌ای باشد، نقل به معنا اصلاً صورت نگیرد، اگر پژوهشی در دست است و نیاز به ارجاع مطلبی هست، نقل به معنا اشکالی ندارد؛ ولی آن‌جا که یک مطلب را قرار است نقل کنیم، باید به جملات، وفادار باشیم و در این‌جا باید تصویر نوشته، نقل شود. آن‌جا که خودمان قرار است نشریات را ورق بزنیم و یا اسلایدهایی را از آن‌ها تهیه کنیم، تیترها بسیار یاری‌رسان است. تیترها ضعف و قوت آزادی بیان را روشن می‌کند و آن‌جا که ما نقل به معنا می‌کنیم، تیتر و نحوهٔ ورود به مطلب و خروج از آن، فدا می‌شود. مرور نشریات بر شجاعت روزنامه‌نگار می‌افزاید و او را با نام‌های درخشان، آشنا می‌کند. انسان‌های شجاعی که در میان ما نیستند و در مواقع لزوم می‌توان مزار آنان را گل‌آذین کرد و از آن‌ها گفت و نگذاشت که یادشان فراموش شود. مقایسهٔ این روزگار با آن روزگار به صورت دائمی باید انجام شود.

www.takbook.com

بازی‌چه فضای مجازی

در قدیم، چاپ یک طرح در یک نشریه به خوبی نشان می‌داد که این طرح آماده است و یا از جای دیگر برداشت شده و امروز با وجود فضای مجازی و گستردگی طرح‌ها و مطلب‌ها هنر بزرگی است که نشریه، بازی‌چهٔ فضای مجازی نشود. هنر جذب نویسندان و آرایش تحریریه و یا سرکوب آن‌ها و نشان دادن بی‌نیاز بودن نشریه از نویسندگان و سپس پرکردن مطالب با محتوای موجود در اینترنت، نشریات را از اعتبار می‌اندازد.

www.takbook.com

به‌دردنخور

شوربختانه در زمانهٔ ما بسیاری از اسطوره‌های روزنامه‌نگاری، دارای دیدگاه نیستند. خود می‌نویسند و مطالبشان برداشت از دیگران نیست، غلط‌های املایی و انشایی ندارند؛ ولی محتوا به شدت ضعیف و به دردنخور و نادرستی‌هایشان بسیار است. مخاطب، فریب عنوان آن‌ها را می‌خورد، به ویژه که عنوان‌های دانش‌گاهی نیز بر آن‌ها افزوده شده است. گاهی یک فرد به دلیل ابراز مخالفت و حضور در جلسات غیر قانونی، بازداشت شده و زندان کشیده و همین موجب محبوبیت او شده، در حالی که مخاطبان گمان می‌کنند آن بازداشت از شدت خوبی مطالب او بوده است! هر اهل مبارزه‌ای را نمی‌توان یک روزنامه‌نگار برتر دانست. از بردن نام‌ها معذورم بدار، این‌گونه برداشت می‌شود که خصومتی در کار است و شاید مطلبی از من را چاپ نکرده‌اند و یا حسادتی از این‌که آن‌ها اسمی در کرده‌اند و پایتخت‌نشین هستند. اما مخاطب گرامی این کتاب، باید بدانی که قلم‌های خوب برکنار و در حاشیه، بسیار است. مطالب بسیاری از صاحبان اندیشه، خواستار ندارد و بسیاری از کسانی که قلم در دست دارند، صاحب اندیشه نیستند. پیداست هنگامی که فردی بدون دیدگاه و اندیشه به عنوان سردبیر و مدیر تحریریه سرگرم کار شود، توان شناسایی، جذب و تحمل صاحبان اندیشه را نخواهد داشت. یکی از هنرهای سردبیر، نازکشی است؛ ولی می‌خواهند نشان دهند که نشریه به مطالب دیگران نیازی ندارد و راه خود را می‌پیماید. آنان که دیدگاهی دارند، می‌توانند دیدگاه خوانندگان را پرورش دهند و دست کم در بخش کوچکی از جامعه اثر بگذارند؛ ولی چاپ یک نشریه حتی اگر تخصصی باشد، در طول سالیان دراز، تنها شمار مطالب بدون محتوا را افزایش می‌دهد. نشریاتی که بسیار در دام تخصص گرفتار شده‌اند، همواره با این مشکل روبه‌رو هستند که اسیر نام‌های ثابت شوند، و یا هر مطلبی را در آن موضوع به هر تقدیر، چاپ کنند. استاد دانش‌گاهی شناخته شده

www.takbook.com

در رشتهٔ کتاب‌داری که مقالات تخصصی را از نویسندگان خارجی مشهور، ترجمه می‌کند. به جز این‌که نمی‌توان تشخیص داد چه‌قدر از کار ترجمه را خود انجام داده است، محتوایی را عرضه می‌کند که نشریهٔ تخصصی، برای چاپ آن اجبار دارد. شاید نخستین یا دومین مطلب نشریه باشد؛ ولی محتوا به دردنخور است، به کار مخاطب ایرانی نمی‌آید و آموزنده نیست.

www.takbook.com

بالارجاع

یکی از روزنامه‌نگارانی که این روزها شهرتی به هم زده است، دربارهٔ کار خود توضیح داده بود که همهٔ روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها را می‌خریده و می‌خوانده است تا بتواند صفحهٔ مربوط را اداره کند. انصافاً روزنامه‌نگار خوبی است و استحقاق شهرتی را که یافته است، دارد؛ ولی می‌دانی که گاه همهٔ مطالب نشریات در یک هفته، چه اندازه ضعف دارد. این‌گونه، چنین مخاطب خاصی نیز از این ضعف تأثیر می‌گیرد و آن‌چه پدید می‌آورد، اگر در سطح پایین‌تر نباشد، بالاتر نیست.

www.takbook.com

تهی ولی شیرین

روزی وارد یک کتاب‌فروشی شدم، تا حدی در خودم فرورفته بودم. کتاب‌فروش من را به جوانی که آن‌جا بود، معرفی کرد. جوان با من دست داد. چه برخوردی، چه دست دادنی، چه نام و نام خانوادگی جالبی و چه لباسی و چه اندام و چهرهٔ زیبایی. روابط عمومی او عالی بود. یکی از هم‌شهریان ما که به تهران رفته، و اسم و رسمی به هم زده بود. کتاب‌فروش از او پرسید چه می‌کنی؟ خنده‌اش محو شد و با ناراحتی گفت: روزنامه‌نگاری. در واقع، خود را داستان‌نویس می‌دانست. به هرحال شهرت او در روزنامه‌نگاری بالا گرفت. یک روز نصیبم شد پای سخن او بنشینم. سالیانی گذشته بود و او از آن چهرهٔ زیبا در حال جدا شدن بود. چه‌قدر زیبا سخن می‌گفت. شیرین شیرین حرف می‌زد. اصلاً او باید مدرس فن بیان می‌شد. بچه‌ها می‌دانند من چه‌قدر تند یادداشت می‌کنم و یک کلمه سخنران را بسط می‌دهم و با شرح و توضیح می‌نویسم؛ ولی سخنرانی او هیچ نکته‌ای برای من غیر متخصص نداشت، بی‌چاره متخصصان. یک روز دیگر نیز سخن او را درک کردم؛ ولی زود بلند شدم رفتم، دیدم کاملاً تهی است. حاصل سال‌ها تلاش او یک مغز تهی بود، دریغ از یک جمله یا یک کلمهٔ به درد بخور. روزی دیگر سخن او را از رادیو شنیدم که همان ویژگی را داشت؛ ولی باز با همان طعم شیرین. یک بار هم خواهرم به سخنرانی او گوش داده بود، نمی‌دانست چه‌گونه آن را توصیف کند: اصلاً... . به هرحال وقتش هدر رفته بود. این آخرین خبر من از او بود و دیگر در افق روزنامه‌نگاری محو شد. دیگر تمام شد. شاید گروهی باشند که از این محوشدن‌ها خوش‌حال شوند. بله موج دریا او را بالا انداخته است. او شناگر ماهری نبوده است؛ ولی باور کنید که نظام روزنامه‌نگاری ما درست کار نمی‌کند، او محو می‌شود و ده‌ها آدم جدید می‌آیند و درست همان آش و همان کاسه. آن‌ها که مانده‌اند پوست کلفت و پررو نیز در بینشان هست و کسانی که از این راه نان

www.takbook.com

می‌خورند. استخدام شده‌اند بیمه‌شان از این راه است. نمی‌توان گفت همهٔ آن‌هایی که مانده‌اند، دانه‌درشت‌ها هستند. او اکنون سرگرم شعر است. توفیق آن سال‌های او تنها مدیون چهره و بیان زیبای او بود. میان‌سالی که از راه رسید، رانده شد. یک معادلهٔ نازیبا که بر پایهٔ زیبایی او شکل گرفته بود.

www.takbook.com

شغل اصلی

شغل‌های دوم روزنامه‌نگار، گاه سبک است، و من پیش از آن‌که بخواهم نکته بگیرم و تمسخر کنم، از قابل جمع نبودن دو شغل می‌گویم. شغلی مانند روزنامه‌نگاری به امید دیده شدن و دست‌یابی به شهرت و شغلی همچون کنترل‌چی بلیت سینما به امید دیده نشدن.

روزنامه‌نگاری، آلبوم خود را به من نشان می‌داد. من تمایلی برای دیدن عکس‌های او نداشتم، و برای یافتن نکته‌ای از زندگی او تلاشی نکرده بودم، او خود آلبوم را فراهم آورده بود و دوست داشت آن را به دیگران بنمایاند. ازجمله تصاویر بازی‌گری او بود. نمایش‌های بسیار سبک، حتی سبک‌تر از آتراکسیون که ظاهراً به دلیل روابطی که داشت و یا اصرارهایی که به دلیل مشکلات مالی به صورت دریوزه با اجاره کردن سالن سینمایی انجام داده بود. ظاهراً در زمینهٔ بازی‌گری آموزشی به صورت رسمی و یا تجربی نداشت و صرفاً برای درآمدزایی به این کار روی آورده بود.

www.takbook.com

شغل دوم

متأسفانه روزنامه نگاری به عنوان شغل دوم، آسیبی بزرگ برای دنیای روزنامه‌نگاری ماست. پایین بودن دست‌مزدها به ویژه در شهرستان، اوضاع ناگوار اقتصادی در کشور ما و بالا بودن هزینه‌های زندگی در شهرهای بزرگ، نمی‌گذارد روزنامه‌نگاری به عنوان حرفهٔ اصلی افراد قلمداد شود. کار روزنامه‌های چاپ صبح در تهران از ساعت دو تا نه شب در نظر گرفته شده است، و با خالی بودن نوبت صبح، افراد زیادی به یک کار حرفه‌ای در آن فرصت می‌پردازند، و سپس خسته و کوفته به شغل دوم خود یعنی روزنامه‌نگاری روی می‌آورند. روزنامه‌های عصر به دست مخاطبان خسته می‌رسد، و روزنامه‌های صبح را روزنامه‌نگاران خسته، تولید می‌کنند. کسانی به ظاهر تمام شغلشان روزنامه‌نگاری است؛ اما با بررسی دفتر آن‌ها درمی‌یابیم که وقف تبلیغات است و تنها فرصت اندکی را در هفته به کار روزنامه‌نگاری می‌پردازند. افسوس کسانی در رأس تشکل‌های روزنامه‌نگاری قرار می‌گیرند که الگوی شغل دوم هستند.

www.takbook.com

امین خلوت

شاعری برای من از خاطرات دوران گذشته می‌گفت. شب‌هایی که استان‌دار به جوجه کبابی... در کوچه باغ به می‌رفت، مست می‌کرد و به من می‌گفت بروم برایش شعر بخوانم. تکلیف مستی که در اسلام روشن است. اما کسی ممکن است دین نداشته باشد، و شراب و به ویژه مستی را بد بداند. دیگری ممکن است آن را بیهوده بداند؛ ولی به هرحال شاعری اگر بخواهد امین خلوت دربار باشد، به درد نمی‌خورد. افراد شاخص اجتماع به جایزه‌های خود می‌نازند، و این جایزه‌ها از سوی قدرت و به دست آن‌ها به دست ما رسیده است. روزنامه‌نگار پیش از هرچیز باید تکلیف خود را با جایزه و جشن‌واره روشن کند.

www.takbook.com

زندگی با تبلیغات

درهم‌تنیدگی تبلیغات با روزنامه و تبلیغات‌چی با روزنامه‌نگار، گاه چنان است که تفکیک، ممکن نیست. امروز مشکل ما آغاز یک نشریهٔ ادبی با تبلیغ جاروبرقی نیست، نشریه‌ای برای چاپ مطلب، پول‌های کلان می‌گیرد. حال نویسنده این پول را پرداخت کرده است؛ ولی در نوشتهٔ خود از کسی به نیکی یاد کرده، آیا واقعاً این شخص، دینی بر گردن جامعه دارد و شایستهٔ مدح است، یا پولی و خدمتی به نویسنده ارائه کرده است؟ پیش‌تر رپرتاژآگهی‌ها با رنگی متفاوت در نشریات به چاپ می‌رسید، و امروزه تبلیغاتی از این دست و به ویژه اجاره کردن کل یک نشریه برای یادنامهٔ یک تن یا نقد یک فیلم، باعث مشکلات فروانی شده است. آدم اصلاً به اصل نشریه و اصل فلسفه، و اصل نقد نیز شک می‌کند.

نشریات باید برای به دست آوردن تبلیغات بیش‌تر به تبلیغات بپردازند. یک دفتر جذب آگهی نیاز به تبلیغ دارد و نویسندگان برای اشخاص از جمله نامزدها تبلیغ کنند و در ضمن خود را نیز گاهی و به ویژه به خاطر دریافت جوایز، تبلیغ کنند. این دیگر زندگی نیست، دست و پا زدن در تبلیغات است.

وبلاگی راه انداخته بودم و از مرحله‌ای وارد مصاحبه با هنرمندان شدم. ارتباط نزدیک با هنرمندان. نخستین پرسش این بود که من از چه راهی نان می‌خورم و چرا هدیه نمی‌گیرم و چرا وبلاگ من تبلیغات ندارد. تبلیغات یک امر جدایی‌ناپذیر شده است. صفحاتی ویژهٔ آگهی دادگستری، صفحه‌ای برای حوادث، صفحه‌ای برای تسلیت‌ها و مطالبی برای مناسبت‌ها و تبلیغات در پایین و بالای همه صفحات، در این میان جای خبر و تحلیل، خالی است. همان حوادث اگر تحلیل شود و شکافته شود، چه‌قدر می‌تواند برای جامعه مفید باشد.

متأسفانه در فضای مجازی نیز این تبلیغات بیداد می‌کند. کسانی هستند که با نام‌های مشهور، نان می‌خورند. فضایی را به نام حافظ و مولوی و شجریان و شریعتی

www.takbook.com

ایجاد می‌کنند، تنها برای این‌که تبلیغ بگیرند. دیگری که می‌خواهد چنین نام‌هایی را تحلیل و نقد کند، دیده نمی‌شود.

www.takbook.com

استخدام سردبیر

استخدام نیروهای جوان و تازه‌کار، از جهت تربیت نیروهای تازه‌نفس نیست که به دلیل کم بودن دست‌مزد آنان است. مدیر مسؤولی بود که سردبیر استخدام می‌کند! کسی که از راه برسد و کارنامه‌ای ضعیف داشته باشد، یک دفعه به مقام سردبیر صعود می‌کند. البته کار مدیر تبلیغات و فروش و توزیع را نیز باید برعهده بگیرد و دست‌مزد او بسیار اندک باشد. جوان روزنامه‌نگاری از تمیزکردن دست‌شویی یک رستوران به دست یک خبرنگار و روی آوردن یک روزنامه‌نگار به کارهای ساختمانی نوشته بود، گویی که پرداختن به تبلیغات، بسیار کار سروسنگینی است.

تبلیغات مانند جنگ می‌ماند و البته نه جنگی میان طرف‌های متخاصم، جنگی که اعلام بی‌طرفی در آن برای کسی ممکن نیست، ما از زمین و هوا مورد حمله قرار می‌گیریم. هر درزی و هر شکافی در دیوار، جایی برای گذاشتن تبلیغ است.

افرادی مانند صاحب امتیاز و مدیر مسؤول می‌کوشند که حوزهٔ فعالیت سردبیر، محدود شود، به هرحال سردبیری که در پی حقیقت نباشد، نمی‌تواند پذیرای نویسندگان حقیقت‌جو باشد.

www.takbook.com

تشخیص

مهم‌ترین چیزی که سردبیر یا دبیر هیأت تحریریه باید داشته باشد، قدرت تشخیص است. با سردبیر نشریه‌ای در یک گروه در فضای مجازی بودیم و سپس او را به گروه خودم دعوت کردم. او امروز سردبیر یک روزنامهٔ سراسری است که به نسبت، جرأت بیش‌تری برای چاپ مطالب بیداری‌بخش دارد. در آن مدت که با او هم‌گروه بودم، مرتب نوشته‌های خود را که سیاسی بود، بازفرست می‌کرد و در خصوصی هم می‌گفت که بچه‌ها را به عضویت در کانال من تشویق کن. فکر می‌کنم او مطالب دیگران را نمی‌خواند و قدرت تشخیص مطالب را نداشت. او در پی یک طیف خاص از مطالب از افراد شناخته شده بود که با سیاست روز ارتباط داشت و تمام. آسان‌ترین راه برای سردبیر، انتخاب مطلب از حلقهٔ اطرافیان خود است و یا دعوت از قلم‌های شناخته شده و اسم و رسم‌دار برای نوشتن؛ پیداست که این‌گونه، بسیاری از اندیشه‌ها می‌میرد و دفن می‌شود. هرز رفتن بسیاری از رسانه‌ها غصه‌ای، و تنگ کردن جای اندیش‌مندان از سوی هرزنامه‌ها غمی دیگر است.

www.takbook.com

سرخورده

فرض کنید مدیری در یک کشور خارجی، دچار اشتباه‌هایی است. ما گروهی تشکیل می‌دهیم تا نادرستی‌ها را به او بگوییم. نماینده‌ای از ما نزد او می‌رود تا مطالب تصویب شده را با لحن مناسب و واژگان برگزیده، به او منتقل کند. چه‌قدر احتمال دارد که او خود را اصلاح کند؟ آیا نخواهد گفت که این مشکلات به شما چه مربوط است؟ اصلاً شما جاسوس هستید؟ پس آن‌چه افراد و به ویژه مدیران باید داشته باشند، قدرت تشخیص است. چه نقدی پذیرفتنی است و چه نقدی جنبهٔ شخصی و جزیی دارد. از دیگرسو روزنامه‌نگار نباید با واکنش‌هایی که می‌بینند، سرخورده شود. نشریات بسیاری هستند که از ابتدا یا پس از مدتی خاکستری و یا زرد شده‌اند. آن‌ها تشخیص داده‌اند که هر کاری می‌خواهی انجام بده؛ ولی نقد نکن.

www.takbook.com

مصاحبه

با شاعری نوپرداز آشنا بودم. بندهٔ خدا درمانده در زندگی‌اش بدون بیمه، بدن ضعیف و بیماری‌های بسیار. یکی از کتاب‌فروشان اصفهان من و دیگری را فراخواند که مصاحبه‌ای با او ترتیب دهیم. شاید این مصاحبه، آبی بر آتش ناگواری‌های زندگی او باشد که اکنون به اوج رسیده بود. من حال و روز خوبی نداشتم و جایی را نیز برای چاپ این مصاحبه نداشتم، شاعر زیاد است و نشریات زیر بار این‌گونه مصاحبه‌ها نمی‌روند. من با او و هنر او کم‌تر آشنا بودم و بنابراین، انجام مصاحبه برایم دشوار بود؛ ولی به هرحال انجام شدن مصاحبه به‌تر از لغو آن بود. فردا سر قرار رفتم و از دور، شاعر را دیدم که با وسایل خود، وسط کوچه نشسته است. احتمالاً جابه‌جایی؛ ولی چرا دقیقاً در این روز جابه‌جایی با ما وعده کرده بود؟ سوی او نرفتم. دعوت کننده خبر داد که مهلت اجاره به پایان رسیده و صاحب‌خانه وسایل او را بیرون گذاشته است. دردناک بود، هرچند جناب شاعر نشان می‌داد که بی‌خیال است و تن نحیف او نیز توانی برای ابراز احساسات نداشت. حتی نگاه کردن به او درست نبود. ازجمله دست‌شویی چهارپایه‌ای او در میان کوچه بود. دعوت کننده، مهربانی کرد و من و دیگری را به ناهار در یک رستوران گران‌قیمت برد. ما به خاطر این مصاحبه وقت گذاشته بودیم و او در واقع، دست‌مزدی به ما داد. نمای زاینده‌رود از پنجرهٔ رستوران و غذای مطلوب برای ما و خانوادهٔ او که می‌دانم سخت‌گیر بودند که ظهر کجا ماندی و چرا دیر آمدی؟ شاعر، فردا درگذشت. شاید اگر مصاحبه انجام یافته بود، بیش‌تر دلمان می‌سوخت. حال ببین به جای چنین کارهایی، چه چیزهایی در شماری از مطبوعات محلی به چاپ می‌رسد. خبری از یک کشور خارجی که از سوی رسانه‌ای که با نخست وزیر مورد نظر میانه‌ای نداشته اندکی دست‌کاری شده است. سپس آن را رسانهٔ یک کشور رقیب، با تغییراتی نقل کرده، و آن‌گاه آن خبر به دست رسانه داخلی رسیده، ترجمه شده و تنها بخشی از آن

www.takbook.com

کار شده، و سپس نشریهٔ محلی آن را با دو سه تا غلط نقل کرده است. حال اصل خبر چه به درد ما می‌خورد که این خبر دروغ باشد.

www.takbook.com

اتلاف وقت و انرژی

یکی از بچه‌ها اصرار داشت که فرزند او هرچیزی را می‌فهمد. فرزند او کودکی بود که دنبال ما می‌آمد و گاه سرخوش از افکار خودش می‌خندید و دوست ما می‌گفت: ببین این، حرف‌های ما را می‌فهمد! حال که فرزند او بزرگ شده است، دوست ما اصرار دارد که او نمی‌فهمد. عجیب است، گاه در دنیای کار ما و ازجمله مطبوعات، این‌گونه است. چه فرش قرمزی برای تازه‌کارها پهن می‌کنند و چه‌گونه فرش را از زیر پای کهنه‌کارها می‌کشند و درصدد جذب نیروی تازه برمی‌آیند. واقعاً اتلاف وقت و انرژی است.

www.takbook.com

علاقه

ایجاد علاقه در میان هم‌کاران از دشواری‌های کار رسانه است. دبیر صفحه‌ای را می‌شناختم که دانش‌جو بود و در دو نشریه کار می‌کرد. یک روز بر اثر فشار کاری، برداشته بود یک صفحه را عیناً در دو نشریه به چاپ سپرده بود. چنین ضربه‌ای از سوی یک فرد علاقه‌مند به کار خود و به هم‌کاران خود، ممکن نیست.

www.takbook.com

اعتماد

رسانه‌ها در عین حال که صاحب قدرت بیش‌تری می‌شوند، هر روز به سوی نامقبولی نیز حرکت می‌کنند. من که اعتبار ویژه و شهرتی ندارم، و از خبرنگاران بدی ندیده‌ام، معمولاً از مصاحبه می‌ترسم، نکند چیزی تغییر یابد. ولی می‌بینی که در سخن سیاست‌مداران، بسیاری از چیزها تغییر می‌یابد. گزینش، ترجمه و ویرایش، مراحلی است که به شدت سخن‌ها را تغییر می‌دهد. رسانه‌ها باید تا جای ممکن اعتمادها را جلب کنند، در غیر این صورت به ویژه اصحاب هنر را از دست خواهند داد. یکی نفر می‌گوید من که صاحب رسانه نیستم یا رسانه‌ای که دارم، قدرتی ندارد، این‌جاست که رسالت رسانه‌های محلی آشکار می‌شود. رسانهٔ محلی نباید خود را به موج اخبار دروغ بسپارد، رسانهٔ محلی می‌تواند مرجع اخبار قابل اعتماد در حوزهٔ خود باشد.

www.takbook.com

جای‌گاه

سالیان پیش یکی از دوستان می‌پرسید جای‌گاه من در این نشریه کجاست؟ در آن سال‌ها نشریات اصفهان بسیار اندک بود و به چاپ سپردن مطلب به صورت ثابت در یک نشریه، آرزوی بسیاری بود. راست می‌گفت، تا جایی که می‌دانم، او قلم را بر زمین گذاشت؛ ولی به جز جای‌گاه افراد در نشریه، باید دید جای‌گاه دست-اندرکاران نشریه در افکار عمومی و دنیای روزنامه‌نگاری چیست. هنگامی که رسانهٔ کاغذی یا الکترونیکی به هر دلیلی تعطیل شود، چه تضمینی برای روزنامه‌نگاران فراهم است؟ شاید روزی روزگاری بیمه در کشور ما به فکر بیمهٔ دفتر روزنامه‌نگاران بیفتد و با تعطیلی دفتر یک نشریه، بیمهٔ بی‌کاری پرداخت شود؛ ولی جای‌گاه را که نمی‌توان بیمه کرد.

www.takbook.com

تکرار

هنرمندی که در رشته‌ای سرآمد است، چه‌گونه می‌تواند در یادها بماند و در بیرون از حوزهٔ جغرافیایی خود نیز شناخته شود؟ چه‌گونه نام یک فرد در ذهن ما مانده است و او را به عنوان فرد مشهوری در حرفهٔ خود می‌شناسیم؟ نام او بارها و از راه‌های گوناگون به گوش ما رسیده و در برابر چشم ما قرار گرفته است. این راه‌ها رسانه است. نقش رسانه در رساندن نام‌ها به ما و ماندگاری آن در ذهن‌ها اهمیت فراوانی دارد. کتاب و کتیبه و منبر، از رسانه‌های قدیمی به شمار می‌رفتند و امروز نقش رسانه‌ها بسیار برجسته است که در زمینهٔ سینما و تلویزیون و حتی تئاتر و به زبانی دیگر هنرهای نمایشی و نمایش‌گاهی، خبرنگاران نقش مؤثری برعهده دارند و به ویژه پای‌گاه آنان تلویزیون و خبرگزاری‌ها و نشریات است. در زمان قدیم، تبلیغات غیر مذهبی و غیر سیاسی، بیش‌تر ناخواسته بود و امروز تبلیغات معمولاً با خواستاری و هدایت آفریننده در زمینه‌های هنری و فکری نیز دیده می‌شود. تبلیغات تجاری، از جهت تولید انبوه است، کالای زیاد برای این‌که بر زمین نماند، باید تبلیغ شود؛ ولی تولیدات هنری به صورت انبوه، خود یک گناه است تا چه رسد به این‌که روی آن تبلیغ شود و باز این چیزی نیست، ترویج نام هنرمند، نکتهٔ دیگری است. میل به زیادنویسی و در مواردی تکرار مثل یا حتی عین مطالب، از جهت میل به برجسته‌تر شدن است و این، جای دیگران و هنر و اندیشه آنان را تنگ می‌کند. دنیا دنیای زودرسیدن است. هنرمند خوش‌نویس در زمان‌های پیش باید از خطوط گذشتگان گرته برمی‌داشت و برای دیدن کتیبه‌ها و قطعات، رنج سفر را بر خود هموار می‌کرد. بعد از این با آمدن دستگاه‌های کپی و دوربین‌های عکاسی، اندکی این راه تسهیل شد؛ ولی امروز با وجود فضای مجازی و قدرت بزرگ‌نمایی گوشی‌های تلفن و رایانه‌ها، راه دست‌یابی به مدارج عالی و مدارک

www.takbook.com

معتبر، بسیار آسان‌تر از گذشته است؛ اما در عوض، هر دارندهٔ مسندی و هر صاحب مدرکی نمی‌تواند ادعای شناخته شدن داشته باشد.

www.takbook.com

عنوان

یکی از دغدغه‌های رسانه‌نگاران، عنوان پدیدآورنده است. اگر نویسندهٔ یادداشت، خود را روزنامه‌نگار بخواند که حشو است، کسی که در روزنامه کار می‌کند و ازجمله این مطلب نیز به قلم او نگاشته شده است، روزنامه‌نگار است و اگر چیزهای دیگر بنویسد، روزنامه محل تبلیغ شغل‌های دیگر می‌شود. رودخانه رودخانه است، اگر به آن لقب رودخانهٔ جاری نیز بدهیم، خنده‌دارتر می‌شود. یک نفر در یک رسانه، عنوان‌های گوناگونی می‌یابد، از تحلیل‌گر مسائل روز تا کارشناس مسائل بین‌الملل، از تاریخ‌پژوه تا متخصص اسناد.

www.takbook.com

تکه به فقر

خبرنگاری که خود را ضد فساد معرفی می‌کند نوشته بود: ماسک را باید مرتب نو کنی، نه این که بشویی روی بند پهن کنی، بعد دوباره استفاده کنی. خبرنگار عزیز! تو باید به فقر تکه بیندازی نه به فقیر.

www.takbook.com

فساد

روزنامه‌نگار نیز می‌تواند دچار فساد جنسی، مالی و اداری شود. من تاکنون خبری ویژه دربارهٔ برخورد با با فساد اداری و مالی در مطبوعات نشنیده‌ام؛ ولی دربارهٔ فساد جنسی در مطبوعات اصفهان دو خبر شنیده‌ام. هم اکنون که این مطلب را برایت می‌نگارم، یک روزنامه‌نگار تهرانی به خاطر فساد جنسی در زندان است. تا جایی که می‌دانم نصب سرپرستان مطبوعات در شهرستان‌ها مورد پسند اصحاب مطبوعات نیست. من خودم با یکی از آن‌ها تلفنی گفت‌وگو کرده‌ام و او را علاقه‌مند نیافته‌ام. یک مورد دیگر از نزدیک دیدم که برخورد نامناسب و رفتاری دور از فضای ادب داشت؛ ولی توانسته بود نظر تهرانی‌ها را جلب کند. دربارهٔ آگهی‌ها یعنی اوج کار مالی نشریه، روی‌دادهای ناگواری ممکن است روی دهد. موردی که از نزدیک شاهد بودم این بود که طراح، خود هزینهٔ آگهی‌ها را وصول می‌کرد.

www.takbook.com

اشغال

بسیاری برای ادامهٔ کار خود به سرمایهٔ دیگران نیاز دارند. نمایش‌گران، اهالی سینما و حتی ورزش‌کاران. یک نفر برای خرید خودروی مورد نیاز خود و حضور در مسابقهٔ اتومبیل‌رانی نیاز به پول زیادی دارد و به این خاطر، تبلیغ شرکت‌هایی را بر خودروی خود نصب می‌کند؛ اما آیا تبلیغات، مانع از سرعت گرفتن او می‌شود؟ اهالی تئاتر، تبلیغات را بر دفترک چاپ می‌کنند، تبلیغات شرکت مورد نظر میان تماشاگران پخش می‌شود و یا تبلیغات را در ورودی سالن و یا روی صحنه می‌گذارند؛ اما آیا جای کسی را می‌گیرد و مانع دید کسی می‌شود؟ تبلیغات رسانه‌های کاغذی، جای مطالب را اشغال می‌کند و برای کسانی که دوست دارند نشریه آن‌ها پر شود، درد سر نباشد و پول باشد به‌ترین کار همین است.

www.takbook.com

دعوت

تا جایی که شاهد بوده‌ام، برای بیداری خوانندگان، از قلم من دعوت نشده است، می‌خواسته‌اند نشریهٔ آن‌ها پر شود. چه به‌تر کسی که زیاد بنویسد و مطالب او شبیه به دیگران نباشد. هنگامی که هدف پایه‌گذاران رسانه، بیداری نباشد، نمی‌توان به زور آن‌ها را به این راه کشاند. اما رسانه‌هایی هستند که هدفشان شهرت بوده و چون به آن دست نیافته‌اند، دوست داشته‌اند زودتر تعطیل شوند و بنابراین به چاپ مطالب مبتذل و سیاسی روی آورده‌اند تا بلکه در چنگال قانون گرفتار شوند!

www.takbook.com

صدای اندیشه باشیم

روزنامه‌نگار در حال نگارش مطلب دربارهٔ چه کسانی است؟ جریان غالب، روشن است چه می‌کند، کار برای سیاست‌مداران، کارخانه‌داران، ورزش‌کاران دست و دل-باز و هنرمندان پول‌دار. یکی از دوستان، نشریه‌ای را گرفته بود و تیتر نخست را به هنر اختصاص می‌داد. به نظر خود با دوری از سیاست و ورزش می‌خواست کاری کرده باشد. هنر نیز اگر شامل همان بازی‌های ورزش و سیاست باشد، به درد نمی‌خورد. چه هنری و چه هنرمندی. اگر آوازخوان ما فقط صدایش را در گلو بچرخاند و مردم نیز به این دلیل به آن گوش فرادهند که نیاز به اندیشه‌ای ندارد، ما در حال ترویج یک هنر بی‌اندیشه با ابزار اندیشه هستیم. دست کم مطبوعات محلی می‌توانند صدای اندیشه باشند. خبرنگار صنعتی، کسی است که صبح سوار اتوبوس می‌شود، در جلسه حضور می‌یابد و پس از صرف ناهار به مرکز شهر بازمی-گردد. خبرنگار صنعتی باید توان ارزیابی کارهای انجام شده را داشته باشد. آیا خط تولید جدید، ایمنی لازم را دارد؟ چه بر سر کارگر می‌آید؟ محیط زیست چه می-شود؟ تولید به این شیوه چه بر سر صنایع کوچک می‌آورد؟

www.takbook.com

نقد یک روند

نشریات، باید روند خود را مورد بررسی قرار دهند. آیا پیش‌رفت نشریه تنها روزآمد شدن صفحه‌آرایی و گرافیک و طرح جلد و نوع چاپ بوده است؟ چه نویسندگانی از دست رفته‌اند و چرا؟ به عنوان مثال یک نشریهٔ نقد کتاب بیش از بیست سال است که منتشر می‌شود. نقدها پیش‌رفتی نکرده است. همچنان ایرادهای موردی و ذکر غلط‌های چاپی که به کار مخاطب نمی‌خورد. گاهی یک نشریه متحول می‌شود، این تحول، تحول در موضوع است و نه تحول در دیدگاه‌های گردانندگان و مخاطبان.

www.takbook.com

سازوکار ویرایش

همواره تبدیل یک مطلب خوب به یک مطلب غیر قابل فهم، امکان‌پذیر است. مطلبی که در اختیار نشریه قرار داده می‌شود. سردبیر مقداری از آن می‌کاهد و لبه‌های تیز آن را نرم می‌کند. حال دبیر تحریریه بر آن نظریاتی اعمال می‌کند و سپس دبیر صفحه نیز قدرت خود را نشان می‌دهد. اگر سرویراستار و ویراستار در نشریه باشد، جملاتی به دست او تغییر می‌یابد تا با سبک نشریه، هماهنگ شود. ویراستار دور از فضای فکری نویسنده، می‌کوشد حقوق خود را حلال جلوه دهد. نادرستی‌هایی نیز هنگام انجام اصلاحات ویراستار به متن راه می‌یابد. اکنون جایی برای آن نیست. در قدیم، بخشی از آن حذف می‌شد و اکنون چنان حروف را ریز و در هم می‌کنند که قابل خواندن نیست. حالا مرد می‌خواهد بفهمد نویسنده چه می‌خواسته است بگوید. بندها نامربوط است. فعل‌ها تغییر یافته و جملات، غیر قابل فهم شده است. این‌گونه، نویسندهٔ خوب، از نشریه جدا می‌شود و هرزه‌نگاران، بال و پر می‌گیرند. کسانی که برایشان مهم نیست چه‌قدر از مطلبشان چاپ می‌شود یا نمی‌شود. مطلبشان به هنگام نشر می‌یابد یا بی‌موقع. کسی از نوشتهٔ آن‌ها سردرمی‌آورد یا نمی‌آورد. کسی آن را می‌خواند یا نمی‌خواند. کسی به آن نگاه می‌اندازد یا نمی‌اندازد. کدام خواننده می‌تواند تمام مطلب را بخواند. روند پذیرش و ویرایش مطالب، باید بسیار حساب شده باشد. بسیاری از مطالب، نیاز به ویرایش ندارد. نویسندگانی که مطلبشان نیاز به ویرایش غلیظ دارد، باید دوره ببینند و یا کنار گذاشته شوند؛ ولی می‌بینیم که رسانه‌ها به عکس عمل می‌کنند.

www.takbook.com

دستور زبان

نشریات کاغذی تا حد زیادی مشکلات نگارشی و ویرایشی خود را حل کرده‌اند. حتی روزنامه‌های محلی در اصفهان نیز کم‌تر درگیر چنین مشکلاتی است. اما رسانه‌ها در فضای مجازی باز درگیر دستور زبان است. حتی متن‌های کوچک دچار اشکال است. این نشر، نیازمند سرعت است و بنابراین، فرصت ویرایش، اندک است. هم‌چنین امکان نظارت و مشارکت چند نفر فراهم نیست و بنابراین یک نفر همهٔ کارها را انجام می‌دهد. اغلب ندیده‌ام که این متن‌ها پس از نشر، اصلاح شود. آن‌هایی که در مطبوعات مانده‌اند، ممکن است نثر به‌تری داشته باشند. سال‌ها نویسندگی توانسته است قلم آنان را ورزیده کند؛ ولی از سویی مغرور شده‌اند و انتقادناپذیر، به نادرستی‌هایی خو گرفته‌اند، و به اشتباه‌هایی عادت کرده‌اند.

www.takbook.com

بازی با کلمات

کلمات باید چنان سر جای خودشان نشسته باشند که انگار پیچ و مهره شده‌اند، صورت و معنی هم باید با هم‌دیگر هم‌خوان باشد. کارت دعوت بسیار زیبا برای یک مراسم عادی، توقع را بالا می‌برد، برای یک مراسم بزرگ هم اگر دعوتی در خور انجام نشود، بسیاری به این مراسم نمی‌آیند. تیترنویسی و بازی با کلمات، گاه بسیار زننده است. هنگامی که محتوا با تیتر هم‌خوانی نداشته باشد و یا محتوا بسیار آبکی باشد، تیتر ادبی، هیچ فایده‌ای ندارد. خواننده با این‌گونه تیتر با تمام رسانه‌ها دشمن می‌شود. بازی با کلمات گاهی نشان از یک ذهن بیمار دارد.

من سالیانی با تیترهای نشریات زرد آشنا بودم و می‌دیدم چیزی از آن‌ها سرم نمی‌شود. دکه‌ها آن موقع نشریات زرد را به صورت عمودی آویزان یا نصب می‌کردند و چون فروش بیش‌تری داشتند، عرضهٔ آن‌ها نیز برجسته‌تر بود. بعد، استاد ادبیاتی را دیدم که دقیقاً می‌ایستاد تا این تیترها را بخواند و مسخره کند. جمله را نامفهوم و نادرست کرده‌اند که بازی با کلمات به‌تر از کار دربیاید.

www.takbook.com

شورای تیتر

بی‌شک بسیاری از تیترهای اول نشریات ما جرأت و جسارت لازم را ندارد. در نشریات شهرستان، با توجه به کم‌بود بودجه‌ها و فضای تنگ‌تر، نمی‌توان امیدی به تشکیل شورای تیتر داشت. روشن است که تیتر خوب می‌تواند در برد، تأثیر، فروش و شمارگان نشریه مؤثر باشد؛ اما باید بدانیم که تیترهای بد نیز به همین اندازه، تأثیر منفی خواهد داشت. تیترهایی که خودگول‌زنک است، باعث فروش یک شماره از نشریه می‌شود و دیگر، تمام. روزنامه‌نگارانی هستند که تیتر خوب را یک ضرورت نمی‌دانند یا گمان می‌کنند به تنهایی می‌توانند تیترهای خوب بنویسند. اگر جامعهٔ ما ظرفیت تیترهای خوب را ندارد، با این حال باید نیاز به شورای تیتر را برای گزینش تیترهای خوب جا انداخت.

www.takbook.com

دفتر تلفن

در یک دفتر به اصطلاح مطبوعاتی بودیم. قرار شد من شمارهٔ تلفن کسی را بدهم. دفترچه تلفنم را درآوردم. جلد نداشت و برگ‌های رویی، مندرس شده بود. مدیر دفتر مطبوعاتی گفت: یک دفتر تلفن از آن اتاق برای خودت بردار و شماره‌ها را داخلش بنویس. فکر کرده بود من فقیر هستم و او دست و دل‌بازی‌اش را می‌خواست به نمایش بگذارد. من که دفاعی نکردم و کلی خندیدم؛ ولی دیگری گفت: این‌که دفتر تلفن معمولی نیست، دفتری است که شماره‌ها را در آن حروف‌چینی رایانه‌ای کرده است. سواد اربابان مطبوعات ما این‌قدر است، می‌خواهند هر کسی را که سر راهشان می‌بینند، بخرند. تفاوت نمی‌کند باسواد است یا بی‌سواد. فقط باید قلم به مزد باشد.

www.takbook.com

دنباله‌داروی...

شبکه‌های اجتماعی، ارتباط میان افراد را ممکن و آسان کرده است. پیش‌تر سردبیر یک نشریه برای یافتن نشانی نویسندهٔ مشهوری که در شهر دیگر بود، باید مدت‌ها تلاش می‌کرد و سپس با نامه‌نگاری از او می‌خواست که مطلبی برای نشریهٔ او بفرستد. اگر نامه به دست نویسنده می‌رسید، و او نشانی خود را تغییر نداده بود، آن وقت باید در انتظار پاسخ او می‌ماند و ارتباط بیش‌تری برقرار می‌کرد تا او را به نگاشتن تشویق کند. اکنون سردبیر می‌تواند نویسنده‌های مشهور را بیابد و با پی‌گیری‌های مداوم، مقالات و حتی مقالات دنباله‌داری از آنان بگیرد. این‌گونه می‌بینی که نشریات، جای‌گاه انسان‌های مشهورتر و مطالبی با کیفیت پایین‌تری شده است. نویسندهٔ مشهور می‌تواند مطالب طولانی و به دردنخور خود را به خواستاران، قالب کند. استاد دانشگاهی که چند جلد کتاب حجیم و ملال‌آور نوشته است می‌تواند مطالب به دردنخوری را نیز برای مطبوعات بنویسد. فضای مجازی می‌تواند فضایی برای نوجویی باشد.

www.takbook.com

تشکل‌های روزنامه‌نگاری و سازمان

شک نیست که ایران امروز ما جای‌گاه تشکل‌های سازمان‌گرا نیست. تشکل‌ها سازمانی، بسیار ضعف دارند و مهم‌ترین ضعف احزاب با هر گرایشی و در هر زمینه‌ای، نداشتن سازمان است. هنگامی که از یک کلاس آزاد سخن می‌گوییم، هنگامی جدی خواهد بود که دست کم دو روز در هفته و هر روز دو زنگ برگزار شود. مطلوب البته سه روز در هفته و دو زنگ در روز به هم‌راه یک روز دیدار دوستانه است. حال ببینید تشکلی که به طور کلی اعضا را درگیر خود می‌کند، و به صورت شبانه‌روزی آن‌ها را به خدمت درمی‌آورد، در چه جای‌گاهی قرار دارد و تشکلی که جلسه‌ای برگزار می‌کند که یک نفر یک هفته می‌آید و یک هفته نمی‌آید و در عمل وظیفه‌ای به دوش اعضا نیست، در کجا قرار دارد. تشکل‌های روزنامه‌نگاری نیز این‌گونه است و این‌گونه نمی‌توان به سازمان‌دهی روزنامه‌نگاران امید بست. یکی از مشکلات تشکل‌ها افراد پایه‌گذار است. کسانی که در پایه‌گذاری تشکل، نقشی داشته‌اند و اکنون خواستار جای‌گاهی متفاوت با دیگر اعضا هستند. این عیب بزرگ، در تشکل‌های روزنامه‌نگاری نیز دیده می‌شود. گاه بر سر این‌که نقش چه کسی پررنگ‌تر بوده است نیز بحث‌هایی درمی‌گیرد، در حالی که این بحث از اساس، باطل است.

دوری اعضا از تشکل روزنامه‌نگاری باعث می‌شود اعضا فراموش کنند برای چه به عضویت این تشکل درآمده‌اند و اساس‌نامهٔ آن چیست.

www.takbook.com

دست‌وپاگیر

اساس‌نامهٔ تشکل‌های روزنامه‌نگاری باید دربرگیرندهٔ قوانین کلی باشد. قوانین جزیی، دست‌وپاگیر خواهد بود و نیاز به تغییر خواهد داشت. به‌تر است افراد پس از عضویت در تشکل‌های دیگر، و اندوختن تجربه، خود اقدام به تشکیل تشکلی کنند. کسانی که با قوانین تشکل‌ها آشنا نیستند، نمی‌توانند پایه‌گذاران موفقی باشند. البته بعضی چنین سوابق و اطلاعاتی را در جهت صعود خود در بالاترین رتبه و محدود کردن دیگران به کار می‌گیرند.

www.takbook.com

عیب‌یابی

تشکلی که فعالیت ندارد، باید عیب‌یابی کند، آیا قوانین، دست‌وپاگیر است یا اعضای خوبی را جلب نکرده است. معمولاً هیأت مدیره، مانع فعالیت اعضا و به ویژه اعضای جوان است و اعضا نیز از نظارت‌های دست‌وپاگیر و به ویژه دخالت افراد مسن و محافظه‌کار، خسته‌اند. در چنین فضایی تمام مسؤولیت‌ها بر گردن هیأت مدیره می‌افتد. باید میدان را برای فعالیت‌ها باز کرد و باز گذاشت. اعضای فعال می‌توانند بیش از یک مسؤولیت داشته باشند. تشکل‌ها معمولاً فاقد اتاق فکر و شورای راه-بردی است.

www.takbook.com

نشریه داخلی

پیش‌تر، انتشار کتاب و به ویژه داشتن یک نشریهٔ داخلی برای تشکل‌های روزنامه-نگاری یک دست‌آورد بزرگ بود. با قوت گرفتن فضای مجازی، تصمیم‌گیرندگان تشکل‌ها گمان می‌کنند ایجاد فضایی در شبکه‌های اجتماعی و اعلان جلسات در آن، نقش نشریه را بازی می‌کند. در حالی که این تابلوی اعلانات است. در مواردی که اعضا مشارکتی دارند، تنها به بازفرست مطالب می‌پردازند و در به‌ترین حالت، مطلب آن‌ها که در جایی منتشر شده است، بازفرست می‌شود و به صورت خاص برای این گروه، مطلبی نمی‌نویسند. من یکی از روزنامه‌نگارانی را که به افشای خطاهای شماری از مدیران محلی می‌پردازد، به گروه خود افزودم. دیدم مطالب متفرقه می‌فرستد، و نمی‌خواهد در فضای مجازی، فعالیت خوبی از خود نشان دهد. در گروه دیگر، تبلیغ لوازم خانگی می‌فرستاد. روزنامه‌نگاران حتی حاضر نیستند گزارش‌گر حوادثی که در راه دیده‌اند باشند. نشریه به صورت الکترونیکی و با یک شورای تحریریه قوی می‌تواند مایهٔ ارتقای اعضا شود. چه مطالبی قبول و چه مطالبی رد می‌شود؟ اعضا می‌توانند در مرحله‌ای در شمار هیأت تحریریه قرار گیرند.

گاهی برای مراسمی، پوستری طراحی می‌کردم. البته همیشگی نبود و گاهی سستی می‌کردم. به ویژه در آن روزها نرم‌افزارهایم به روز نبود و بعد که یکی را به روز کردم، چیزهای دیگر به آن نمی‌خورد. فراهم آوردن نرم‌افزار تازه و نصب آن و فرز شدن در آن، زمان برد. کار را به یک نفر دیگر داده بودند. اصلاً قانع کننده نبود. ولی آن‌ها دوست داشتند و من هم تشویق کردم. باز پوستری دیگر طراحی شدو باز تشویق کردم. او تصویری را برمی‌داشت و روی آن مطالبی را می‌نوشت. نه فونت، مناسب بود و نه اندازه‌ها. کار با گوشی انجام می‌شد و امکانی بیش از این فراهم نبود. سن‌وسال او را که دیدم دریافتم که باید باز تشویق کنم. هفده ساله بود. اما مخاطب‌ها مسن بودند و نیاز به فونت‌های درشت داشتند. من راحت شده

www.takbook.com

بودم؛ ولی سفارش دهنده اکنون به عذاب آمده بود. می‌گفت راهش بینداز. چیزی به او بگو. چه باید می‌گفتم؟ او در رشتهٔ برق تحصیل می‌کرد نه هنر. رایانه نداشت. فتوشاپ نمی‌دانست. راه‌کار چه بود؟ مسابقه‌ای راه بیندازیم، بچه‌ها پوستر و نشریهٔ دیواری تهیه کنند، داوری شود و جایزه بدهیم و روی کارها توضیحاتی ارائه کنیم. باز این مسابقه تکرار شود، کارهای خوب، به‌تر و کارهای بد، خوب شود. یک راه‌کار ساده که کسی زیر بار نمی‌رود. نشریهٔ داخلی در برابر نشریات سراسری، بسیار مخاطب اندکی دارند؛ اما امروز می‌بینیم شمارگان نشریات سراسری به کجا رسیده، و ماندگاری آن‌ها چه اندازه کم شده است. نشریهٔ داخلی می‌تواند یک تمرین مداوم و تضمین شده باشد.

www.takbook.com

اتحاد واقعی

کسانی که به تبلیغات می‌پردازند، به خوبی می‌توانند سال‌های بیش‌تری خود را روزنامه‌نگار بنمایانند؛ ولی روزنامه‌نگاران واقعی ممکن است خیلی زود دفع شوند. تبلیغات‌چی‌ها هویت صنفی روزنامه‌نگاری را حفظ می‌کنند، و نویسندگان به زودی از دایرهٔ روزنامه‌نگاری بیرون می‌روند. اتحاد واقعی، دور همی روزنامه‌نگاران اصیل است. جمعی که هم‌دیگر را بشناسند، رونوشت‌برداران را شناسایی کنند، و نگذارند اصالت آن‌ها خدشه‌دار شود.

www.takbook.com

استقبال

گاهی استقبال از جوانان در دفتر نشریات، جمع‌های روزنامه‌نگاری و تشکل‌های روزنامه‌نگاری زیاد است. البته نمی‌گویم با فرد تازه‌وارد و جوان، برخورد ناخوبی شود؛ ولی باید در نظر داشت که این چهرهٔ جدید چه کاستی‌هایی ممکن است داشته باشد. کاستی رایج این است که او مطالب را از خود نمی‌نویسد. در زمان قدیم می‌شد از یک نشریه برداشت و در نشریهٔ دیگر چاپ کرد و اکنون به آسانی می‌توان از فضای مجازی مطلب را برداشت کرد و زحمت حروف‌چینی را نیز از دوش خود برداشت. اگرنه تمام مطلب که بخشی از مطلب، عیناً رونوشت‌برداری می‌شود و یا تمام محتوای مطلب، مشابه اینترنتی دارد. جوان اگر به این کار تشویق شود تا پایان عمر روزنامه‌نگاری خود، پا را کج خواهد گذاشت. اگر رسانه‌ها چنین کارهایی را می‌پسندند؛ ولی تشکل روزنامه‌نگاری باید در برابر این کارها بایستد. توقع جوانی که با این استقبال روبه‌رو می‌شود بالا می‌رود و بعد از مدتی دچار افت می‌شود؛ او دیگر نه جوان است، نه تازه‌وارد و تشکل و رسانه ظرفیت بیش‌تری برای رشد ندارد. او فکر می‌کند همان اول کار به اوج دست پیدا کرده و حالا که دیگر پیش‌رفتی ندارد باید سر کار دیگری برود.

www.takbook.com

ندای اعتراض

جوانی معترض در تشکلی بود و اعتراض‌های او شدت می‌گرفت. در گفت‌وگوهای خصوصی و نیز در جلسات. آشکار یا به صورت زیرزبانی. به هرحال او را برای هیأت مدیره نامزد کردند و رأی نیاورد. انتخاباتی دیگر فرارسید و سرانجام او وارد هیأت مدیره شد. البته کاری نکرد یا از پیش نبرد. این افراد معترض دیگر پیدایشان نمی‌شود که به آن‌ها بگوییم پس آن همه اعتراض چه شد و خود چه کردی، یا بگوییم چرا دست کم در جلسات هیأت مدیره حضور نیافتی؟

www.takbook.com

خواندن

نمایش‌گاه کتابی بود و قرار بود بنی بدهند که ندادند. دوستی بزرگواری کرد و به هر نفر کمی پول داد تا با آن کتاب بخرد. برای هر نفر مبلغ اندکی بود؛ ولی مجموع آن بسیار بود. به هرحال می‌شد چند کتاب خرید. پیداست که بچه‌ها کتاب نخریدند. یک نفر برای گشت‌وگذار آمده بود و یکی برای کار اداری. این بانی عزیز می‌گفت هرکس برای خود چند کتاب بخرد و یک کتاب هم برای من بگیرد. او از دوست‌داران کتاب است و کتاب می‌خواند. تشکل‌ها باید اعضا را به خواندن تشویق کنند. تشکل روزنامه‌نگاری باید با خواندن، پیوندی نزدیک داشته باشد. افرادی که انتشارات دارند، افرادی که دستی در نوشتن کتاب دارند و اعضای کتاب‌خوار، باید سازمان‌دهی شوند. تازه‌های کتاب باید رصد شود. تشکل می‌تواند آثاری را که درباره روزنامه‌نگاری منتشر می‌شود، بلافاصله تهیه کند، و در اختیار اعضا قرار دهد. خلاصه‌نویسی و نقد و بررسی کتاب باید یکی از فعالیت‌های دائمی اعضا باشد. البته امروز مهارت‌ها در کنار معلومات اهمیت یافته است؛ اهمیت کار با رایانه، عکاسی، صفحه‌بندی و مدیریت نیروی انسانی که کم‌تر کسی دربارهٔ آن می‌گوید بر کسی پوشیده نیست؛ ولی خواندن به جز به دست آوردن معلومات، خود یک مهارت لازم نیز به شمار می‌رود؛ مهارت مطالعه.

www.takbook.com

بر خط

فضای مجازی، فرصت بر خط بودن و انتشار اخبار را به صورت آنی فراهم می‌کند. بر زمینهٔ فرستهٔ جدید در توییتر نوشته شده: چه اتفاقی در حال روی دادن است؟ بگذریم که می‌توان آن‌چه در این شبکه فرستاد، اتفاق و یا اتفاق در حال روی دادن نباشد و مردم ما از آن برای واکنش دادن به یک اتفاق و تبدیل آن به یک لطیفه استفاده می‌کنند؛ ولی این میکروبلاگ، انسان را به خبرنگاری تشویق می‌کند. نام یک شبکهٔ اجتماعی دیگر واتس آپ به معنی چه خبر، باز با خبر گره خورده است. این‌ها باعث می‌شود که گرفتن خبر از روزنامه کاغذی، مورد بی‌توجهی قرار گیرد. اما از اتفاق چیزی که می‌خواهم بگویم، درست به عکس این است، نه سرعت این شبکه‌های اجتماعی و نه خاستگاه آن‌ها می‌تواند ما را از رسانه‌های کاغذی داخلی، بی‌نیاز کند. من خبرگزاری‌ها و رسانه‌های خارجی را در شبکه‌های اجتماعی گوناگون مانند فیس بوک، توییتر، اینستاگرام و تلگرام بررسی کرده‌ام. رسانه‌ها در عرصهٔ سایت، موفق‌ترند و در این شبکه‌های اجتماعی، چنگی به دل نمی‌زند. رسانهٔ کاغذی محلی، اگر اهل ارائه تحلیل و ارائه اخبار درست باشد، می‌تواند هنوز تأثیرگذار باشد.

امروز بسیاری از رسانه‌ها، در فضای مجازی حضور دارد، و حتی رسانه‌های ارزشی در شبکه‌های اجتماعی فیلترشده به فعالیت می‌پردازد. سایت‌های خبری نیز در شبکه‌های اجتماعی به فعالیت سرگرم است. بر خط بودن در این رسانه‌ها به معنی انتشار گزیدهٔ اخبار منتشر شده در جای‌گاه اصلی است و به ویژه مطالب تحلیلی آن‌ها اندک است. اگر مطالب تحلیلی را خواسته باشی، باید فایل کامل را دانلود کنی. ضعف این‌ها عدم ارتباط با مخاطب است. البته امکان نظردهی، مانند هر مطلبی ممکن است فراهم باشد؛ ولی ارتباط با سردبیر، دبیر تحریریه، و دبیر صفحه، به دشواری ممکن است. این‌گونه، ارسال خبر برای خبرنگاران آزاد وجود ندارد و

www.takbook.com

من هنوز جایی را که ارتباط خوبی با مخاطب فعال داشته باشد، نیافته‌ام. رسانه‌ها در عرصهٔ دیجیتال گاهی به مسائلی ورود نمی‌کند. غیبت موضوعاتی در یک رسانه، بسیار زیاد است. نمی‌توان گفت که رسانه، بخش‌های گوناگونی دارد، این‌جا یک تن سرگرم گزینش مطالب است، مطالب سیاسی، خبری، و اجتماعی را برمی‌گزیند و نشر می‌دهد؛ ولی به عنوان مثال مطالب هنری را انتخاب نمی‌کند.

www.takbook.com

اردو

مسؤولان تشکل در اردوها باید هم‌راه اعضا باشند و نیامدن آن‌ها یا سفر آن‌ها با وسیلهٔ نقلیهٔ جداگانه، توهین به دیگر اعضاست. اردو یک کار جمعی است که می‌تواند هم‌بستگی اعضا را بیش‌تر کند و هنگامی که اعضای ناهم‌گون به عضویت تشکل درآمده باشند، اردو مایهٔ دوری افراد از یک‌دیگر می‌شود. افرادی هستند که سالی یک بار در تشکل پیدایشان می‌شود و آن هم برای اردو.

www.takbook.com

پای گاه نقد

یکی از وظایف تشکل‌های روزنامه‌نگاری می‌تواند نقد و بررسی نشریات باشد. هنگامی که این نقد و بررسی انجام نشود، هرزه‌نگاران به تشکل‌ها نیز راه می‌یابند. جایی که بتوانند یک چای و شیرینی دور هم بخورند و بنی نیز دریافت کنند. نقد و بررسی، ایجاد خط و مرز میان روزنامه‌نگار و هرزه‌نگار است. روزنامه‌نگار تشویق می‌شود که زحمت او نادیده انگاشته نشده است و هرزه‌نگار درمی‌یابد که جای او این‌جا نیست. برود و در رسانه هرکاری می‌خواهد انجام دهد؛ ولی تشکلی وجود دارد که عیار مطالب را می‌سنجد و رصد می‌کند.

www.takbook.com

هم‌دلی

گاهی شمار جلسات تشکل‌ها به شدت کاسته می‌شود. یک از این ملاحظات، هماهنگی، عدم استقبال اعضا، کم‌بود بودجه و یا فضاهای سیاسی است. با تنگ شدن فضای سیاسی، جلسات برگزار نمی‌شود تا بحثی درنگیرد و کسی نیز گمان بد نبرد. هرچه جلسات کم‌تری برگزار شود، جلسهٔ آینده، حساس‌تر خواهد بود. دیگر نمی‌توان هر حرفی را زد، و هر کسی را برای سخنرانی دعوت کرد. هم‌دلی اعضا در این مدت بسیار اندک می‌شود. گاهی فاصلهٔ میان جلسات به قدری زیاد است که در این مدت شماری از اعضا به تشکل افزوده شده‌اند و اعضای قدیمی آن‌ها را نمی‌شناسند و آن‌ها نیز اعضای قدیمی را نمی‌شناسند. شبی برای ضیافتی در یک تشکل روزنامه‌نگاری دعوت شده بودم. با دوستی که دقیقاً هم‌سن من است بر سر میزی که در راه قرار داشت، نشستیم. هر دو با سابقهٔ روزنامه‌نگاری و در شمار اعضای قدیمی این تشکل و دوست من با سابقه‌ای بسیار بیش‌تر. کم‌تر کسی سلام کرد و هیچ‌کس کنار ما ننشست. برای من که اهمیتی نداشت؛ ولی دوست من ناراحت شد. نبود هم‌دلی یک نشانه است. نمی‌توان طرد اعضای قدیمی را بایکوت نامید. هماهنگی قبلی برای طرد افراد انجام نشده است؛ ولی در عمل، اعضا از هم‌دیگر خوششان نمی‌آید. این انجمن، ماهیت خودش را از دست داده است.

www.takbook.com

دفاع از هویت

موضوع کار تشکل‌های بسیاری، رسیدگی به امور بیمه و کسب‌وکار آن‌هاست؛ ولی نمی‌توان انتظار داشت که دربارهٔ روزنامه‌نگاران، دفاع از هویت صنفی آنان نباشد. هرچه اعضای ضعیف‌تری به عضویت تشکل روزنامه‌نگاری دربیایند، کم‌تر می‌توان انتظار داشت که آن تشکل بتواند به دفاع از هویت صنفی بپردازد. راست است که هیأت مدیرهٔ یک تشکل، ویترین آن تشکل به شمار می‌رود. بنابراین افراد پول‌پرست و تاجر به هیچ روی صلاح نیست به عنوان هیأت مدیره برگزیده شوند. اگر اوضاع روزنامه‌نگاران کشوری به لحاظ اقتصادی، دشوار است، هیأت مدیرهٔ انجمن باید متشکل از روزنامه‌نگارانی با لباس‌های عادی باشد، کسانی که شغل اصلیشان روزنامه‌نگاری بوده است و هست، کسانی که خودرو و به ویژه خودروهای گران-قیمت ندارند. اگر مدرک‌گرایی بیداد می‌کند، لزومی ندارد در ویترین انجمن، مدرک‌داران را قرار دهیم. انتخاب هیأت مدیره به این سبک می‌تواند یک مبارزهٔ منفی باشد.

www.takbook.com

نه آفرین

یکی از استخوان خردکرده‌های مطبوعات و عضو هیأت مدیرهٔ یک تشکل روزنامه‌نگاری، اعضای جوان را صدا می‌کرد. فکر می‌کنید چه می‌گفت؟ نمی‌گفت آفرین، راهت را ادامه بده، مقاومت کن. می‌گفت: تا جوانی برو دنبال یک کار درست و حسابی. پیداست که پیش انداختن یک چنین آدم‌هایی در یک تشکل، چه‌قدر آتش جوانان را سرد می‌کند.

www.takbook.com

نسبت

به طور معمول هنر را در جشن‌واره‌ها و امتحان‌ها و ارائه‌ها با نسبت می‌سنجند. حال که تشکل‌های روزنامه‌نگاری، فراوان شده است، یک تشکل خوب می‌تواند معیاری را در نظر گیرد و دست کم تا مدتی به کم‌تر از آن راضی نشود. گسترده کردن دایرهٔ روزنامه‌نگاری و عضوگیری زیاد، موجب ریزش زیاد نیز هست. بسیاری از اعضا روزنامه‌نگاری را ادامه نمی‌دهند؛ ولی هرچه‌قدر تعلق آن‌ها به روزنامه‌نگاری مورد بررسی دائمی باشد، ممکن است مدتی را عضو تشکل باقی بمانند. تشکلی سعی می‌کرد روزنامه‌نگاران را در خود نگاه دارد و از من نیز همواره این پرسش می‌شد که اکنون چه می‌کنی و در کجا مشغول به کار هستی؟ گو این‌که من دیگر رفت‌وآمدی نداشتم و اگر هم داشتم مگر این تشکل چه مزایایی برای من داشت و من چه اندازه از آن‌ها استفاده کرده بودم؟ دیگری هنوز نیامده، سود کلانی می‌برد. معرفی‌نامه‌ای برای گرفتن اقامت در کشوری خارجی. او نه روزنامه‌نگار حرفه‌ای بود و نه صلاحیت عضویت را در تشکل روزنامه‌نگاری داشت؛ ولی طی چند روز به خواستهٔ خود دست یافت.

www.takbook.com

شورای راهبردی

در اساس‌نامه‌ها پیش‌بینی می‌شود که هیأت مدیره می‌تواند اعضایی را به جلسه هیأت مدیره دعوت کند. البته این گاهی اجرا می‌شود؛ ولی معمولاً این‌گونه نیست و حضور فرد نیز در رأی‌گیری‌های هیأت مدیره بی‌تاثیر است. ضمن این‌که شرط آن این است که هیأت مدیره تشکیل جلسه بدهد. بنابراین به‌تر است اعضایی را به عنوان شورای راهبردی تشکل در نظر گرفت و این افراد حتی در کم‌کاری هیات مدیره به جلسات خود ادامه دهند. اگر محدودیت‌هایی برای انتخاب اعضای هیأت مدیره وجود دارد و آن‌ها حتماً باید افرادی چند شغله باشند، دست کم شورای راه-بردی را باید اعضایی تشکیل دهند که شغل اصلی آنان روزنامه‌نگاری است و درنتیجه فعالیت در تشکل را با نامه‌نگاری و کار اداری و برگزاری جلسات صرف، اشتباه نگرفته‌اند.

www.takbook.com

صحبت دانا

در هر کاری و در هر راهی هم‌نشینی با دانای آن فن، ضرورت دارد و مشوق است. تشکل دست کم کاری که برای اعضا می‌تواند انجام دهد، فراهم کردن صحبت داناست. چه بسیار افرادی که شهرتی ندارند و ناشناخته مانده‌اند. آیا در تشکل روزنامه‌نگاری نیز باید ناشناخته باقی بمانند و جلسات انجمن در اختیار شهرت-طلبان، مجریان و سخنرانان آن چنانی باشد؟

www.takbook.com

محتوا

کارهای فرهنگی و هنری را نیز همچون دیگر مهارت‌ها آموزش می‌دهند. همان‌گونه که می‌توانی خیاطی و نجاری و آهن‌گری و قصابی را بیاموزی، می‌توانی فیلم‌سازی و داستان‌نویسی و شاعری و روزنامه‌نگاری را فراگیری. آن‌چه در این کلاس‌ها غایب است، آموزش محتواست. مهارت را فراگرفتی، اکنون باید قلم در اختیار چه اندیشه‌ای باشد. تشکل می‌تواند این کم‌بود را جبران کند و امیدواریم بدتر نکند و روزنامه‌نگار را برای دست‌یابی به دست‌مزد، به نگارش هر مطلبی و طراحی هر طرحی و ترسیم هر کاریکاتوری و گرفتن هر عکسی واندارد.

www.takbook.com

کاریابی

تشکل البته برای کاریابی نیست؛ ولی اگر افراد ناخوب، هم‌دیگر را بیابند، و افراد نویسنده به خبرنگاری صنعتی یا عکاسی از طبیعت تشویق شوند، می‌توان دانست که تشکل رو به کجا کرده است. کاریابی، لزوماً یافتن کار با درآمد و یا با درآمد بالا نیست، افراد صاحب سخن می‌توانند دست هم‌دیگر را بگیرند و زمینه را برای یک-دیگر فراهم آورند.

www.takbook.com

درک زمان

دنیا دنیای دیگری است، نشریات نیاز به حضور فعال در فضای مجازی دارند و می‌بینی نشریاتی مانند نشریات سینمایی که انتظار بیش‌تری از آن‌ها برای این حضور می‌رود، غیبت بیش‌تری دارند. یک تشکل روزنامه‌نگاری نیز نیاز به درک زمان نو دارد. کسانی که در رأس تشکل حضور دارند، بیش از هرچیز باید توان این درک را داشته باشند و اگر ندارند، پس صلاحیت لازم را ندارند. تشکل روزنامه‌نگاری باید میان پیش‌کسوتی و به روز بودن، یکی را برگزینند و یا دست کم میان آن‌ها تعادلی برقرا کند. اگر در رأس تشکلی، مدیر یک خبرگزاری الکترونیکی نباشد، نشان می‌دهد که تشکل به سمت پیش‌کسوتی پیش‌می‌رود.

www.takbook.com

فلسفه‌وجودی

کسانی که وارد هیأت مدیرهٔ تشکل روزنامه‌نگاری می‌شوند، می‌توانند به دو شیوه عمل کنند؛ یکی این‌که فعال مایشاء باشند. تفسیر اساس‌نامه به رأی خود و انجام کارهای گوناگون. حتی آن‌چه را مخالف صریح اساس‌نامه است، در مجمع عمومی به تصویب می‌رسانند. روی‌کرد دوم، نظرسنجی دائم از اعضاست. دست کم با اعضای فعال در ارتباط هستند و کاری را بر خلاف نظر جمع انجام نمی‌دهند. در هر دو صورت فلسفهٔ وجودی تشکل نباید فراموش شود. آن‌جا که تشکلی بر پایهٔ اندیشه‌های چپ شکل گرفته است، نمی‌تواند پای‌گاه مدیران دولتی شود.

www.takbook.com

مزایا

یک نفر به خاطر این که مدیر یک تشکل خصوصی است حقوق می‌گیرد. سر سال یا هنگام رأی‌گیری برای هیأت مدیرهٔ بعدی، حلالیتی می‌طلبد و تمام. در زمینهٔ روزنامه‌نگاری نیز یک تشکل را سراغ دارم که مدیر آن از نهادی دولتی حقوق می‌گیرد و در ضمن، تدریس آن فن به صورت دربست در اختیار اوست.

www.takbook.com

ترمز

روزنامه‌نگار هرچه پیش‌تر می‌رود، مغرورتر، و کم‌حوصله‌تر می‌شود. روند طبیعی یک انسان این است که با بالا رفتن سن‌وسال، گرفتار نیز بشود. در چنین شرایطی باید بخواند و بنویسد. در این حال هرچه کم‌تر می‌خواند و به دلایل مالی، بیش‌تر و با سرعت بالاتری می‌نویسد. خواندن او نیز با توجه به افزایش شبکه‌های اجتماعی، بسیار پراکنده و سرسری و از روی بی‌حوصلگی است. به‌ترین‌های روزنامه‌نگاری نیز مطالب نامربوطی را با سرعت زیاد و پشت سر هم می‌خوانند و اشتباه برداشت می‌کنند. روزنامه‌نگاران برتر نیز با خواندن مطالبی دربارهٔ یک موضوع، مطلبی خواهند نگاشت که تراویده از قلم خودشان نیست. جایی مانند تشکل صنفی باید ترمزی برای این کارها باشد.

www.takbook.com

از همین قلم

شرافت روزنامه‌نگاری

از روزنامه‌نگاری تا حقیقت‌نگاری

ماناتر از مینو

شیواتر از اشراق

فرزانگان فروزان

روی موج شادی

مطالبات معنوی

عشق‌باوری

صمیمانه با خودم

یک آدم خوب

یادنامه سیمین دانشور

سیاوش کسرایی؛ حماسه‌سرای بزرگ ایرانی

باشگاه روح

جشن بودن

خانه‌ای برای نیایش

دعوتی برای بودن

دیدار با فیلسوفان سپاهان

راه‌نمای نیایش‌گران جوان

روح پرواز

www.takbook.com

فهرست مطالب

پیش‌گفتار ۳
مقدمه ۴
سرگرمی ۵
حقوق ۶
مشکلات شهرستان ۷
مرور گذشته ۸
بازی‌چهٔ فضای مجازی ۹
به دردنخور ۱۰
با ارجاع ۱۲
تهی ولی شیرین ۱۳
شغل اصلی ۱۵
شغل دوم ۱۶
امین خلوت ۱۷
زندگی با تبلیغات ۱۸
استخدام سردبیر ۲۰
تشخیص ۲۱
سرخورده ۲۲
مصاحبه ۲۳
اتلاف وقت و انرژی ۲۵
علاقه ۲۶
اعتماد ۲۷

www.takbook.com

جای‌گاه ۲۸
تکرار ۲۹
عنوان ۳۱
تکه به فقر ۳۲
فساد..... ۳۳
اشغال ۳۴
دعوت ۳۵
صدای اندیشه باشیم ۳۶
نقد یک روند ۳۷
سازوکار ویرایش ۳۸
دستور زبان..... ۳۹
بازی با کلمات..... ۴۰
شورای تیتر..... ۴۱
دفتر تلفن..... ۴۲
دنباله‌دار ولی ۴۳
تشکل‌های روزنامه نگاری و سازمان..... ۴۴
دست‌وپاگیر ۴۵
عیب‌یابی ۴۶
نشریهٔ داخلی ۴۷
اتحاد واقعی..... ۴۹
استقبال..... ۵۰
ندای اعتراض..... ۵۱
خواندن..... ۵۲
بر خط ۵۳
اردو..... ۵۵

www.takbook.com

پای‌گاه نقد ۵۶
هم‌دلی ۵۷
دفاع از هویت ۵۸
نه آفرین ۵۹
نسبت ۶۰
شورای راه‌بردی ۶۱
صحبت دانا ۶۲
محتوا..... ۶۳
کاریابی..... ۶۴
درک زمان..... ۶۵
فلسفهٔ وجودی ۶۶
مزایا ۶۷
ترمز ۶۸
از همین قلم..... ۶۹
فهرست مطالب ۷۰